





پردیس آموزشهای نیمه حضوری دانشگاه

پایان نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد در رشته مشاوره مدرسه

**مقایسه سبک های تربیتی والدین و طرحواره های ناسازگار اولیه دانش آموزان
دارای اضطراب اجتماعی و دانش آموزان گروه عادی دبیرستان های دخترانه
شهرستان اراک**

نگارش

نرگس نجفعلی بیگی

استاد راهنما

دکتر ابوالفضل کرمی

استاد مشاور

دکتر منصور عبدی

استاد داور

دکتر حسین سلیمی بجزستانی

زمستان ۱۳۹۰

تقدیر و تشکر

با تشکر فراوان از استادان ارجمند، جناب آقای دکتر کرمی و جناب آقای دکتر عبدی که راهنمایی

و مشاوره این پایان نامه را تقبل کردند و به حق راهنمای من در رفع موانع و مشکلات موجود در راه پژوهش بودند.

و با تشکر از جناب آقای دکتر سلیمی که داوری این پایان نامه را به عهده گرفتند و با موشکافی و ریزبینی خود نقایص موجود در پژوهش را یادآور شدند.

نرگس نجفعلی بیگی

1399

چکیده

این پژوهش به هدف، مقایسه سبک های تربیتی والدین و طرحواره های ناسازگار اولیه دانش آموزان دارای اضطراب اجتماعی و دانش آموزان عادی صورت گرفته است. پژوهش از نوع علی مقایسه ای بود و نمونه مورد مطالعه در آن ۲۰۰ دانش آموز (۱۲۰ نفر در گروه اضطراب اجتماعی و ۸۰ نفر در گروه عادی) که به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای از دبیرستان های دخترانه شهرستان اراک انتخاب شدند. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه اضطراب اجتماعی صفی زاده (۱۳۸۶)، پرسشنامه ۷۵ سوالی طرحواره های ناسازگار اولیه یانگ و پرسشنامه سبک های فرزند پروری باومریند استفاده شد. نتایج تحلیل داده ها با روش تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) و رگرسیون لجستیک نشان داد، بین سبک فرزند پروری مقتدرانه و سهل گیرانه در دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد به این صورت که میانگین گروه عادی در هر دو سبک بالاتر از گروه اضطرابی بود. در ۵ حوزه طرحواره ها نیز بین دو گروه تفاوت معناداری بدست آمد به طوری که در هر ۵ حوزه طرحواره ها دانش آموزان دارای اضطراب اجتماعی نمره بالاتری را نسبت به گروه عادی بدست آوردند. همچنین نتایج رگرسیون لجستیک نشان داد که سبک فرزند پروری مقتدرانه و سهل گیرانه و حوزه عملکرد مختل و دیگر جهت مندی می توانند پیش بینی کننده اضطراب اجتماعی باشند.

واژگان کلیدی: طرحواره های ناسازگار اولیه، سبک های تربیتی والدین، اضطراب اجتماعی

فصل اول

مقدمه ... ۱.....

بیان مساله ۵.....

اهمیت و ضرورت تحقیق..... ۷.....

اهداف..... ۸.....

فرضیه ها..... ۸.....

تعریف مفاهیم و اژگان اختصاصی..... ۹.....

فصل دوم

اختلال اضطراب اجتماعی

تاریخچه اختلال اضطراب اجتماعی..... ۱۶.....

۱۸.....تعریف اختلال اضطراب اجتماعی

۱۹.....سن بروز و شیوع اختلال

۲۱.....علائم تشخیصی

۲۲.....آسیب های ناشی از اضطراب اجتماعی

۲۴.....علت شناسی اضطراب اجتماعی از دیدگاه نظریه های روانشناسی

۳۰.....خانواده و اضطراب اجتماعی

سبک های تربیتی والدین

۳۲.....تئوری های فرزند پروری

۳۷.....سیر تحول تاریخی در شیوه های فرزند پروری

طرح‌حواره‌های ناسازگار اولیه

تاریخچه طرح‌حواره‌ها ۴۰

تعریف و ویژگی‌های طرح‌حواره‌های ناسازگار اولیه ۴۲

ریشه تحولی طرح‌حواره‌ها ۴۴

حوزه‌های طرح‌حواره‌های ناسازگار اولیه ۴۶

سبک‌ها و پاسخ‌های مقابله‌ای ۵۳

پیشینه تحقیق ۵۵

فصل سوم

طرح پژوهش ۶۳

جامعه آماری ۶۳

روش نمونه گیری..... ۶۳

ابزار پژوهش..... ۶۳

روش اجرا..... ۶۸

روش تجزیه و تحلیل داده ها..... ۶۸

فصل چهارم

مقدمه..... ۷۰

توصیف آماری..... ۷۱

تحلیل فرضیه های پژوهش..... ۸۳

فصل پنجم

بحث و نتیجه گیری..... ۹۱

محدودیت های پژوهش..... ۱۰۲

پیشنهادات کاربردی و پژوهشی ۱۰۲

منابع

منابع فارسی ۱۰۳

منابع انگلیسی ۱۰۶

ضمائم ۱۱۲

فهرست جداول

جدول ۱-۴ پایه تحصیلی آزمودنیها به تفکیک گروه ۷۱

جدول ۲-۴ رشته تحصیلی آزمودنیها به تفکیک گروه ۷۳

جدول ۳-۴ توصیف نمرات خام ۵حوزه طرحواره ها ۷۵

جدول ۴-۴ توصیف نمرات خرده مقیاس های طرحواره ها به تفکیک گروه ۷۷

جدول ۴-۵ توصیف نمرات سبک های تربیتی والدین ۸۰

جدول ۴-۷ نتایج تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) ۸۳

جدول ۴-۸ نتایج تحلیل واریانس چند متغیری سبک های تربیتی والدین ۸۴

جدول ۴-۹ نتایج تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) ۸۶

جدول ۴-۱۰ نتایج تحلیل واریانس چند متغیری حوزه طر حواره ها ۸۷

جدول ۴-۱۱ نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک ۸۹

جدول ۴-۱۲ نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک برای پیش بینی ۹۰

فصل اول

طرح و کلیات تحقیق

اضطراب اجتماعی[□] اختلال روانی شایعی است که میزان شیوع آن در طول زندگی ۳ تا ۱۳٪ برآورد شده است (سادوک و سادوک ترجمه رفیعی ۱۳۸۵). ویژگی تشخیصی اصلی آن ترس بارز و پایدار از موقعیت های اجتماعی است که در آنها احتمال دستپاچگی برای شخص وجود دارد، الگوهای شناختی معاصر هراس اجتماعی این فرض را مطرح می کنند که افراد مبتلا به اضطراب اجتماعی موقعیت های اجتماعی را زیان باری دانند(هافمن[□] و ولو[□] ۲۰۰۶). اضطراب اجتماعی معمولاً با حرمت نفس ضعیف و ترس از انتقاد همراه است، این افراد در موقعیت های اجتماعی ممکن است شکایت از سرخ شدن، لرزش دست، تهوع یا میل شدید به ادرار کردن را تجربه کنند، تحقیقات نشان داده اند اضطراب اجتماعی در سنین نوجوانی شروع شده و در صورت عدم درمان تا سالها تداوم می یابند(کاپلان و سادوک ترجمه رفیعی ۱۳۸۱). یکی از شایع ترین مشکلات بالینی در نوجوانان اختلال های اضطرابی و از جمله آنها اضطراب اجتماعی است که با اضطراب دوران کودکی پیوند خورده اند(پینکاس[□] و همکاران ۲۰۰۵). الگوهای نظری بسیاری بر اهمیت تاثیر عملکرد والدین بر تحول، تداوم و تغییر میزان اضطراب کودکی تاکید کرده اند(مک لود[□] و دیگران ۲۰۰۷). روانشناسان نیز مدت هاست عنوان کرده اند که عملکرد والدین بر شکل گیری افکار، هیجانات، رفتار کودکان تاثیر معنا داری دارند، بر اساس مدل آسیب پذیری- استرس در آسیب شناسی روانی پژوهش های زیادی نقش عوامل مربوط به خانواده را به عنوان عامل زمینه ساز در آسیب پذیری فرد مورد بررسی قرار داده اند (هریس[□] و کرتین[□] ۲۰۰۲). در این میان پیازه[□] (۱۹۵۴) و بالبی (۱۹۶۴)

-social anxiety
-Hafman,S.G
-Low ,R
-Pincus,D
-McLeod,B
-Harris,A.E
5-Curtin, L
-Piaget

(به نقل از گانتی^۱ و بوری ۲۰۰۸) معتقدند که عملکرد والدین سبب ایجاد و گسترش مدل هایی در درون سازمان شناختی فرد به نام طرحواره می شود، این طرحواره ها در زندگی فرد به عنوان عدسی هایی عمل می کنند که تفسیر، انتخاب و ارزیابی فرد از تجارب وی را شکل می دهند، متعاقب نظریه های شناختی آسیب پذیری روانی از جمله بک و باوام گیری از دیدگاه های پیشینیان یانگ نظریه خود را در رابطه با طرحواره های ناسازگار اولیه گسترش داده است. وی معتقد است این طرحواره ها که از آنها به عنوان یک ساختار یا چارچوب مرجع یاد میکند، ساختار های پایدار و بادوامی هستند که به مثابه عدسی هایی بر ادراک فرد از جهان، خود و دیگران اثر می گذارند، این طرحواره ها در طی تجارب کودکی شکل گرفته اند و پاسخ های فرد به رخداد های محیطی را کنترل می کند (یانگ ۱۹۹۸). یانگ معتقد است که طرحواره ها به دلیل ارضا نشدن نیاز های هیجانی اساسی دوران کودکی به وجود می آیند. او ۵ نیاز هیجانی اساسی را ۱-دلبستگی ایمن ۲- خود گردانی ۳- آزادی در بیان نیازها ۴- خود انگیختگی و تفریح ۵- محدودیت های واقع بینانه (خویشتن داری) می داند. وی عنوان میکند که تعامل بین خلق و خوی فطری کودک و تجارب محیط اولیه زندگی (رفتار نادرست والدین در ارضای نیازها) به جای ارضاء آنها منجر به ناکامی آنها می شود. این نظریه مطرح می کند اگر چه عوامل مربوط به جامعه، مدرسه و همسالان در شکل گیری این طرحواره ها موثر هستند، اما اثر آنها، وسعت و ثبات اثر عوامل خانوادگی را ندارد (تورس ۲۰۰۲).^۲ تئوری یانگ فرض را بر این میگذارد که رفتارها و عملکرد والدین در شکل گیری و تحول طرحواره ها نقش داشته اند. پژوهشها نیز نشان داده اند که به کار گیری سبک های فرزند پروری مناسب از سوی والدین با سلامت کودکان

^۱-Cunty,B

^۲-Torrest.J

و مهار والدینی با عدم سلامت کودکان در ارتباط است (رای^۱ و کومار^۲ ۲۰۰۹). سبک های تربیتی والدین را می توان به عنوان منظومه ای از بازخوردهای والدین نسبت به کودک دانست که در مجموع یک جو هیجانی را در رفتارهای ابرازی آنها ایجاد می کند (دسجاردینز^۳ و دیگران^۴ ۲۰۰۸). بامریند در مطالعات خود سه ویژگی را آشکار می سازد که روش موثر را از روش های نه چندان موثر فرزند پروری جدا می سازد. این ویژگی ها عبارتند از ۱- پذیرش در روابط نزدیک ۲- کنترل ۳- استقلال دادن. از تعامل این سه ویژگی، سه سبک فرزند پروری مشخص می شود ۱- مقتدرانه^۲ ۲- مستبدانه^۳ ۳- سهل گیرانه^۴. سبک مقتدرانه با پذیرش و روابط نزدیک، روش های کنترل سازگارانه و استقلال دادن مناسب مشخص می شود، سبک مستبدانه از نظر پذیرش و روابط نزدیک پایین و از نظر کنترل اجباری بالا و از نظر استقلال دادن پایین است، والدین با سبک فرزند پروری آسان گیرانه، روش مهرورز و پذیرا نشان داده، متوقع نیستند و کنترل کمی بر رفتار فرزندان خود اعمال می کنند، این والدین به فرزندان خود اجازه می دهند در هر سنی که باشند خودشان تصمیم گیری کنند حتی اگر هنوز قادر به انجام این کار نباشند (دیاز^۵ ۲۰۰۵). پژوهش های زیادی به بررسی رابطه سبک های فرزند پروری با انواع اختلالات روان شناختی از جمله اضطراب اجتماعی پرداخته اند، برخی از بررسی ها نشان داده اند که بزرگسالان با اختلال اضطراب اجتماعی، والدین خود را فزون حمایتگر و یا طرد کننده دانسته اند (پریوات^۶ ۲۰۰۳، هیدگرفن و همکاران^۷ ۲۰۰۴)، به

^۱-Rai.R.N
^۲-Kumar.p
^۳-Desjardins.J
^۴-authoritive
^۵-authoritian
^۶-permissive
^۷-Diaz.Y

هر حال اساس اضطراب اجتماعی با سبک های فرزند پروری متفاوت در تحقیقات مختلف مرتبط است (الیزابت^۱ و کینگ، ۲۰۰۶).

با توجه به مبانی نظری عنوان شده در ابتدای بحث در رابطه با اهمیت عملکرد والدین در شکل گیری طحواره ها در پژوهشهای مختلف شاید توجه کمتری به اثر گذاری این دو عامل در اختلالات روانی شده است، لذا در پژوهش حاضر به تعیین سبک های تربیتی والدین و طحواره های ناسازگار اولیه دانش آموزان دارای اضطراب اجتماعی و مقایسه آن در نمونه دانش آموزان بدون اضطراب اجتماعی پرداخته می شود.

^۱-Elizabeth.J

بیان مسأله

اختلال اضطراب اجتماعی (SAD) به عنوان یک اختلال از طبقه اختلالات اضطرابی، شایع ترین نوع اختلال اضطرابی و سومین اختلال روانی از نظر شیوع بین جمعیت عمومی می باشد (هافمن و بارلو ۲۰۰۶). نسبت شیوع این اختلال در زنان به مردان ۳ به ۱ می باشد که این امر توجه بیشتر به این اختلال را در جمعیت زنان ایجاب می کند. علاوه بر این اضطراب اجتماعی در دوره نوجوانی به شکل قابل ملاحظه ای افزایش پیدا می کند و اغلب بر حضور نوجوان در مدرسه و عملکرد تحصیلی او اثر می گذارد و یا افسردگی در دوره نوجوانی پیوند بسیار نزدیکی دارد. (زارب، ترجمه خدایاری ۱۳۸۳). با وجود اهمیت و شیوع این اختلال، تحقیقات نشان می دهد که ریشه اضطراب اجتماعی هنوز به درستی روشن نیست و در واقع عوامل زیادی را در ایجاد این اختلال دخیل می دانند. تحقیقات بالینی و آسیب شناختی مشخص کردند که اثر متقابلی بین عوامل زیستی و عوامل محیطی، در اختلال اضطراب اجتماعی وجود دارد (کاویا^۱ و همکاران ۲۰۰۶). طی چند دهه گذشته الگوهای نظری چندی برای تبیین مکانیزم های زیربنایی اختلال اضطراب اجتماعی ارائه گردیده، که برخی از آنها بفرایندهای شناختی تأکید دارند. (بک^۲ و همکاران ۱۹۸۵).

مدل شناختی بک ارتباط بین محیط، توانایی های بالقوه، استعدادها و زمینه های زیستی و مزاجی که فرد از زمان تولد با خود به همراه می آورد را در ابتلا به انواع مشکلات روانی از جمله اضطراب اجتماعی مهم می شمارد. در میان ادبیات شناخت درمانی و در نوشته های اولیه بک از سازه هایی به نام طرحواره بحث می شود که آنها نیز در واکنش به زمینه های زیستی و تأثیرات محیطی بوجود می آیند و شکل می گیرند. طرحواره های معینی هم توسط

^۱-Gouveia.B

^۲-Beck,A.T

یانگ گسترش پیدا کرد که آنها هم در رابطه های اولیه و آغازین کودک با اعضای خانواده شکل می گیرند، با این تفاوت که این طرحواره ها همگی ناکارآمد هستند و با عدم ارضای نیازهای اساسی کودک در ارتباط اند. که در تئوری یانگ این سازه ها طرحواره های ناسازگار اولیه نامیده می شوند (دیویدسون، ترجمه شمس ۱۳۸۳).

ریشه تحولی طرحواره های ناسازگار اولیه در تجارب دوران کودکی نهفته است. طرحواره هایی که زودتر بوجود می آیند و معمولاً قوی تر هستند و از ریشه های خانوادگی نشات می گیرند. این نشان دهنده این است که رفتارهای پدر و مادر در شکل گیری و تحول طرحواره ها نقش داشته، چرا که به گفته یانگ طرحواره ها در طی دوران کودکی پدید می آیند و در طول زندگی پیچیده تر می شوند. سبک های فرزند پروری را ترکیب هایی از رفتارهای والدین تعریف کرده اند، که در موقعیت های گسترده ای روی می دهد و جو فرزند پروری باداومی را پدید می آورد (لورا ۲۰۰۸). که به عقیده یانگ این جو فرزند پروری تاثیر چشمگیری در ایجاد طرحواره های خاص در کودک دارد.

متخصصان بالینی هم به وفور ارتباط مابین تعاملات والد با کودک و سبک های فرزند پروری را در شکل گیری شخصیت کودک و انواع اختلالات کودکی و نوجوانی مؤثر دانسته اند.

در رابطه با اضطراب اجتماعی و سبک های تربیتی والدین، تحقیقات نتایج گوناگون و ضد و نقیضی را ارائه کرده اند. با توجه به تحقیقات متفاوت به نظر می رسد عوامل سبب شناختی هراس اجتماعی به طور کلی گوناگون و پیچیده می باشد. ایجاد طرحواره های خاص در یک فرد نیز به گفته یانگ در اثر تعامل فاکتورهای زیادی از جمله نیازهای هیجانی اساسی، تجارب اولیه کودکی، خلق و خوی فطری کودک صورت می گیرد. حتی فرهنگ جامعه، گروه همسالان و مدرسه نیز در این میان تاثیر گذار هستند. همه اینها می تواند عواملی باشد که در ایجاد اضطراب اجتماعی تاثیر گذار باشند با این حال طرحواره های ناسازگار اولیه از عواملی است که در تحقیقات در رابطه با اضطراب

اجتماعی چندان مورد توجه واقع نشده، علاوه بر همه اینها طرحواره ها به عنوان عمیق ترین سطح شناخت واره ها در افراد تاثیر شگرفی در شخصیت و سطح مراودات و تعاملات اجتماعی افراد خواهند داشت، بنا براین می توان گفت طرحواره ها در ارتباط با علائم بالینی در انواع اختلالات از جمله اضطراب اجتماعی می باشند. نکته قابل بررسی این است که ویژگی های اجتنابی و بازداری افراد دارای اضطراب اجتماعی و به طور کلی علائم تشخیصی این اختلال به چه میزان می تواند در ارتباط با طرحواره های خاص در این افراد باشد؟ و اینکه افراد دارای اضطراب اجتماعی در چه ابعادی از طرحواره با افراد بدون اضطراب اجتماعی تفاوت دارند؟ برای بررسی این موضوع به مقایسه طرحواره های ناسازگار اولیه در دانش آموزان دارای اضطراب اجتماعی و دانش آموزان بدون اضطراب اجتماعی پرداخته می شود و همینطور به دلیل اهمیت بیشتر سبک های تربیتی والدین در ایجاد طرحواره ها این موضوع نیز قابل بررسی است که می توان بین سبک های تربیتی والدین دانش آموزان دارای اضطراب اجتماعی و دانش آموزان بدون اضطراب اجتماعی تفاوتی قائل شد؟

برای دستیابی به این موضوعات در پژوهش حاضر به مقایسه سبک های تربیتی والدین و طرحواره های ناسازگار اولیه در دانش آموزان دارای اضطراب اجتماعی و دانش آموزان گروه عادی پرداخته می شود.

اهمیت و ضرورت تحقیق:

اختلال اضطراب اجتماعی یکی از شایع ترین اختلالات دوران کودکی و نوجوانی است. به علاوه در تحقیقات گسترده ای که انجام گرفته این موضوع ثابت شده است که آسیایی ها و حتی آمریکائی های آسیایی تبار به میزان بیشتری نسبت به اروپائی ها و آمریکائی ها اضطراب اجتماعی را تجربه می کنند. یافته های زیادی در این زمینه نشان می دهد که چطور ساختارهای فرهنگی متفاوت در میزان ابتلا به اضطراب اجتماعی در کشورهای مختلف تأثیرگذار است (نیشی زاوا ۲۰۰۴).

به نظرمی رسد در کشور ما ایران نیز به عنوان یک کشور آسیایی به دلیل ساختارهای فرهنگی خاص توجه به این موضوع ضروری باشد. با توجه به مطالب گفته شده، شناسایی دانش آموزان بخصوص دختران نوجوان با مشکل اضطراب اجتماعی در مدارس موضوعی بسیار کلیدی می باشد، چرا که شدت اختلال اضطراب اجتماعی در کودکان و نوجوانان با افزایش درجات مشکلات رفتاری مانند مدرسه گریزی، فرار از خانه، افت تحصیلی، اجتناب از بازیها، فعالیت های اجتماعی و دروغگویی همراه است. علاوه بر همه اینها در صورت عدم شناسایی و تشخیص این اختلال در نوجوانان این مشکل تا سالها ادامه پیدا می کند و معمولاً شخص نیز به دلیل داشتن ویژگی اجتنابی و کمرویی اقدامی برای درمان انجام نمی دهد، لذا ممکن است این افراد با وجود داشتن توانایی و قابلیت در بسیاری از زمینه ها، فرصت ها و موقعیت های مناسبی را برای پیشرفت در زندگی، به خاطر عدم اعتماد به نفس، اجتناب و خجالت در مواجهه با موقعیت های اجتماعی از دست بدهند.